

ting will not be "historic,
l or even consequential"
all into the "consultation"
Rice told reporters on th
om Washington.

redecessor Colin Po
foreign mi
ak Ui-chun
in the day.

he's first mee

or Yang ment
at their me
ese diplomat

the talks

chair
men

ant fo
part

ant fo
part

ant fo
part

ant fo
part

ant fo
part

ant fo
part

ant fo
part

ant fo
part

روزنامه



نویسنده: اندرو متیوز
مترجم: ستاره بابایی

چرا من به حوادث ناگوار نیازمندم؟

درس‌ها

زندگی کردن و یاد گرفتن

چیزهایی ممکن است مقابل چشمانمان باشد و...

وقتی ده سالم بود، مهم‌ترین دارایی‌ام توپ فوتبالم بود. با آن غذا می‌خوردم، می‌خوابیدم، و هر هفته به جای کفش‌هایم برکش می‌انداختم... من همه چیز را در مورد فوتبال می‌دانستم، اما در مورد بعضی چیزهای دیگر مانند این که بچه‌ها از کجا می‌آیند، کمی گیج و گنگ بودم. یک روز بعد از ظهر که داشتم در خیابان بازی می‌کردم، توپ عزیزم را گم کردم. همه جا را دنبال آن گشتم. به این نتیجه رسیدم که کسی آن را دزدیده است.

سرانجام زنی را دیدم که به نظر می‌آمد چیزی را زیر کتش مخفی کرده است. با عصبانیت به سمتش رفتم و پرسیدم: "فکر می‌کنی با توپ من که زیر لباسه داری چیکار می‌کنی؟"

نتیجه این شد که او توپ فوتبال من را برنداشته بود... اما من آن بعد از ظهر فهمیدم که بچه‌ها از کجا می‌آیند و زنی که نه ماهه باردار است چه شکلی است. ساعتی بعد هم توپم را پیدا کردم.

آنچه بیش از همه من را شگفت‌زده کرده بود این بود که چرا قبل از سن ده سالگی هیچ‌گاه به یک زن باردار توجه نکرده بودم... و چرا بعد از آن ماجرا به نظر می‌آمد که آن‌ها محاصره‌ام کرده‌اند.



مغز کلام

ما در زندگی وقتی به جایی می‌رسیم که برای گرفتن اطلاعات جدید آماده باشیم. تا آن وقت، چیزهایی ممکن است مقابل چشمان ما باشد اما ما آن‌ها را نبینیم.